



دکتر ناصرالدین علی تقویان / استاد یار پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی

مردم هر سرزمینی رویایی برای حال و آینده خود دارند، در این صفحه برآنیم تا ویژگی‌های رویای مردم ایران را بشناسیم. این بار دکتر ناصرالدین علی تقویان درمورد خیال‌خانه جمعی یا رویای جمعی انسان شرقی نوشته است.

+۶ | رؤیای ایرانی



**درباره رؤیای آمریکایی یا غرب
چطور خودش را رؤیای شرق کرد؟**

کدام خیال‌خانه جمعی؟



تمام مظاهر هویت‌یابی ما در برابر این خیال و رویای هژمونیک آمریکایی هنوز نتوانسته کاری از پیش ببرد. در برابر این رویا هم جایگزین‌هایی که معرفی می‌شوند قدرت‌چندانی نداشته‌اند و در این سال‌ها تمام دستاویزهایی که برای احیای هویت مورد استفاده قرار گرفته‌اند به جایی نرسیده.

یک زمینه تاریخی وجود داشته و هم در دوران معاصر کل این اشتیاق به غرب در مفهومی به نام رؤیای آمریکایی و جغرافیایی به اسم آمریکا کپسوله شده است. نیای این اشتیاق و رویاپردازی فعلی هم همان نگاه به غرب تاریخی است. اگرچه این اشتیاق در سال‌های اخیر با قدرت رویاپردازی و بزرگ‌ترین کارخانه‌های رؤیاسازی غربی‌ها از جمله آمریکایی‌ها تقویت شده و از سوی دیگر در شرق هم انفعال بیش از گذشته است. انگار شرقی‌ها خود را در این بازی بازنده می‌پندارند و اگر جایی هم می‌خواهند تلاشی کنند این تلاش متأسفانه به سمت حرکت‌های رادیکال و تندروی و بنیادگرایی می‌رود که بیشتر از اینکه بخواهد در برابر نگاه به غرب جایگزین قدرتمندی ارائه دهد تلاشش این است که غرب را پایین بکشد. تمام مظاهر هویت‌یابی ما در برابر این خیال و رؤیای قدرتمندی

بوده است. آنها از طریق رسانه‌ها، فیلم‌ها و محتوایی که در این سال‌ها تولید کرده‌اند به نوعی رؤیای خودشان را رؤیای مسلط مردم جهان کرده‌اند. نه تنها خیلی از ایرانی‌ها، رؤیای ایرانی خود را پیوند زده‌اند به رؤیای آمریکایی بلکه در تمام جهان چنین شده است. آمریکایی‌ها با همین رؤیا مهاجران را از سراسر جهان در کشور خود جمع کرده‌اند. در چند قرن اخیر بیشترین درخواست‌های مهاجرت در دنیا به آمریکا بوده؛ از چینی‌ها گرفته تا ایرانی‌ها؛ بیشتر از هر کشوری به آمریکا مهاجرت کرده‌اند و این به‌خاطر همان رؤیای آمریکایی است که مدام دارد از دیگران دعوت به پیوستن به خود را می‌کند. یعنی آنها نه‌تنها یک رؤیا ساخته‌اند بلکه مدام دارند آن را تبلیغ و ترویج می‌کنند. تعداد بالای گرین‌کارت‌هایی که از آقازاده‌ها تا آدم‌های معمولی

رؤیا در مفهوم علمی و روانکاوانه آن بیشتر از اینکه ناظر بر آینده و طرح و اشتیاق و برنامه ما برای آینده باشد، به عقده‌ها و سرکوب‌ها و کمبودهای گذشته ما ربط دارد. در مواجهه یک روانکاو با یک بیمار، سطح رویی رؤیا چندان اهمیتی ندارد و روانکاو تلاش می‌کند به لایه‌های عمیق‌تر آن برود و آرزوهای فروخته و تروماهای کودکی بیمار را کشف کند و در نهایت رابطه بیمار با ذهن و هستی خودش را به یک رابطه صادقانه‌تر و سراسرتر تبدیل کند. در مواجهه با رؤیاهای جمعی و آسیب‌شناسی وضعیت فعلی رؤیای ما ایرانی‌ها هم باید همین کار را کرد.

معمولاً رؤیاهای در سطح رویی خود، نوعی سرپوش برای محدودیت‌ها و سرکوب‌ها هستند. این وجه سلبی و منفی رؤیاست و در سطح ایجابی هم که رؤیا می‌تواند در اعماق ذهن ما ناظر به تغییر در آینده باشد. در هر صورت این وضعیت غالب رؤیا در سطح فردی همان موضوع سرکوب و محدودیت در گذشته است که می‌توان پیوندهایی میان آن با مفهوم رؤیا در سطح جمعی یا اجتماعی هم پیدا کرد.

کسی مثل کورنلیوس کاستوریادیس متفکر یونانی‌الاصل از مفهومی به‌نام «خیال‌خانه جمعی» می‌گوید که می‌تواند سمت و سوی تحولات اجتماعی را رقم بزند. کاستوریادیس می‌گوید هرجا که جامعه‌ای وجود دارد وجه جمعی و نمادین آن درون همین خیال‌خانه جمعی رخ می‌دهد که به تعبیری همان فرهنگ جامعه است.

بنابراین این گزاره که یک ملت رؤیا یا خیال‌خانه جمعی نداشته باشد چندان درست نیست. شاید این خیال‌خانه بر ما آشکار نباشد یا به تعبیر روانکاوانه این ما باشیم که نخواهیم آن را ببینیم و به آن اعتراف کنیم ولی هست! من می‌خواهم بگویم که ما (به‌طور کلی شرق) از قضا یک رؤیا داریم. رؤیایی که بدل شده به همان رؤیای غربی یا شکل امروزی‌اش که رؤیای آمریکایی است. در اعماق ذهن و همین‌طور در خیلی از کنش‌های آشکار شرقی‌ها، رؤیای آمریکایی جلوه پیدا کرده و فکت‌هایی هم برای این ادعا وجود دارد.

این رؤیای آمریکایی وقتی توسط بنیانگذاران آمریکا طرح‌ریزی شد و بعد وارد گفت‌وگوهای جمعی شد و الان نماد آمریکا شده صرفاً برای مردم این کشور و برای اتحاد و انسجام درونی این جامعه به وجود نیآورده‌اند. رؤیای آمریکایی برای کل مردم جهان



اولین راهکار مقابله با این وضعیت اعتراف به آن است. همان‌طور که در روانکاوی اولین مرحله درمان اعتراف و پذیرش وضعیتی است که در آن به سر می‌بریم. ما باید بپذیریم که تلاش‌های تاریخی ما در برابر رویا و نگاه به غرب هنوز به جایی نرسیده و فعلاً رویای آمریکایی نسخه مسلط در جهان شده و کماکان راه‌درازی در پیش است تا به عنوان یک هویت فرهنگی، رویای خودمان را بسازیم و قدرتمند کنیم.

که آنها ساخته‌اند هنوز نتوانسته کاری از پیش ببرد. در برابر این رؤیا هم جایگزین‌هایی که معرفی می‌شوند قدرت‌چندانی نداشته‌اند و در این سال‌ها تمام دستاویزهایی که برای احیای هویت مورد استفاده قرار گرفته‌اند به‌جایی نرسیده. اولین راهکار مقابله با این وضعیت هم اعتراف به آن است. همان‌طور که در روانکاوی اولین مرحله درمان اعتراف و پذیرش وضعیتی است که در آن به سر می‌بریم. ما باید بپذیریم که تلاش‌های تاریخی ما در برابر رؤیا و نگاه به غرب هنوز به جایی نرسیده و فعلاً رویای آمریکایی نسخه مسلط در جهان شده و کماکان راه‌درازی در پیش است تا به‌عنوان یک هویت فرهنگی، رؤیای خودمان را بسازیم و قدرتمند کنیم.

گرفته‌اند یا در پی گرفتن آن هستند بخشی از فکت‌هایی است که نشان می‌دهد خیال‌خانه جمعی ما بروز عینی همان چیزی است که رؤیای یک ملت دیگر است که آن را به یک خواست جهانی تبدیل کرده‌اند. این یک واقعیت است و من فعلاً نمی‌خواهم آن را داوری کنم. رؤیای غرب به‌طور کلی و حتی قبل از پیدایش آمریکا وجود داشته و امری است تاریخی و در چند قرن اخیر بیشتر مهاجرت‌ها از شرق به غرب بوده و نگاه آدم‌ها به غرب بوده است.

نگاه شرق در این قرن‌ها به غرب بوده و هم‌زمان همیشه آرزوی تسخیر غرب را هم داشته است. از آن خود کردن غرب یا غربی شدن، یک آرزو و اشتیاق بوده برای شرقی‌ها. به‌عبارتی هم